

و سایر اماکن اقتصادی مکان‌هایی اختصاصی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی شدند. در چنین وضعیتی، این مسأله مطرح می‌شود که آیا امکان دارد فرایند کارکردزایی از نهاد خانواده تا جایی ادامه یابد که دیگر نیازی به وجود چنین نهادی در نظام اجتماعی نباشد؟! هر خرده‌نظام یا نهاد اجتماعی تا هنگامی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که نیازی از سایر بخش‌ها برآورد. هنگامی که دیگر نیازی را برآورده نسازد، یعنی کارکرد خود را در حیات اجتماعی از دست داده و به تدریج زایل می‌شود. نهادهای قدیمی و سنتی در بعد تعلیم و تربیت (مانند مکتب‌خانه‌ها)، به این دلیل حیات خویش را در زندگی شهری از دست داده‌اند که نهادهای رسمی دیگری (مانند: نهادهای تعلیمی - آموزشی، نهادهای صنعتی و...) کارکردهای آن را بر عهده گرفته‌اند. آیا ممکن است، تمامی کارکردهای خانواده بر

در دوران مدرن، بروز تغییرات اساسی در نهاد خانواده، از ابعاد ساختی و کارکردی، آن‌را تحت تأثیر قرار داده است. در خانواده‌های قدیمی، تعداد افرادی که به طور ثابت در مکان مشترک زندگی می‌کردند، بیشتر از وضعیت کنونی بود؛ به نحوی که پدر و مادر همسران یا فرزندان فرزندان را نیز شامل می‌شد. هم‌چنین خانواده در قدیم، متکفل بر آوردن نیازهای بیشتری بود. به عنوان نمونه، آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی، انتقال هنجارها و آموزه‌های فرهنگی از طریق خانواده‌ها صورت می‌گرفت. با واگذاری عمده‌ی کارکردهای فوق به سایر نهادها، خانواده‌ها مجبورند، کارکردهای حداقلی خود در وضعیت جدید را برآورند. نهادهای آموزشی و تعلیمی عهده‌دار کارکرد آموزش‌های شغلی و مهارت‌های حرفه‌ای شدند. کارخانه‌ها، صنایع

## آینده‌ی خانواده در حیات اجتماعی

### کارکردزایی از نهاد خانواده از دیدگاه اسلامی

# خانواده در فردا

### سید مهدی اعتباری فرد

### دو نگاه

آیا ممکن است، تمامی کارکردهای خانواده بر عهده‌ی سایر نهادهای اجتماعی قرار گیرند؟! در چنین وضعیتی، آیا می‌توان هنوز خانواده‌ای داشت یا خیر؟! به صورت فرضی، زمانی را در نظر آورید که امکان توالد و تناسل هم، وابسته به ازدواج نباشد و راه‌کارهای فن‌آورانه‌ی جایگزینی برای آن مطرح شده باشد. در چنین شرایطی، آیا می‌توان انتظار اضمحلال چنین نهادی را کشید؟!



عهده‌ی سایر نهادهای اجتماعی قرار گیرد؟! در چنین وضعیتی، آیا می‌توان هنوز خانواده‌ای داشت یا خیر؟! به صورت فرضی، زمانی را در نظر آورید که امکان تولد و تناسل هم، وابسته به ازدواج نباشد و راه‌کارهای فن‌آورانه‌ی جای‌گزینی برای آن مطرح شده باشد. در چنین شرایطی، آیا می‌توان انتظار اضمحلال چنین نهادی را کشید؟! یا هم‌چنان خانواده، کارکردهای اصیلی را بر عهده دارد و به همین دلیل، در عرصه‌ی اجتماعی به حیات خود ادامه خواهد داد؟! تلاش می‌شود تا به این پرسش به صورت موجز، با تأکید بر نظر اسلام، پاسخ داده شود.

اگرچه خانواده در شرایط فعلی، به نحو فزاینده‌ای دست‌خوش فرایند کارکردزایی شده، اما کارکردهای اصیلی هست که بنیان خانواده بر آنها استوار شده و اسلام هم بر همین ابعاد تأکید فراوان دارد. خداوند در قرآن، کارکرد اساسی خانواده را به دست آوردن آرامش برای طرفین می‌داند. آیا نهاد دیگری می‌تواند چنین کارکردی را به صورت جایگزین ایفا کند؟! به منظور تبیین دیدگاه اسلام، به سیاق و لحن آیه‌ی مربوطه توجه کنید: «و از نشانه‌های خداوند آن است که برای شما همسرانی از خودتان آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید. میان شما رشته‌ی محبت و مودت قرار داد. همانا در این امر، نشانه‌هایی است برای کسانی که اهل تفکرند» (روم/۲۱).<sup>۱</sup> در این آیه، ضمیر «کُم» اشاره به مخاطب عام دارد و تمامی انسان‌ها که مخاطب آیه هستند را شامل می‌شود. چنین نیست که صرفاً مؤمنان یا مسلمانان مورد خطاب خداوند باشند و تشکیل خانواده صرفاً برای آنها کارکرد آرامش را به دنبال داشته باشد. بنابراین، تمامی کارکرد اساسی که نهاد خانواده خواهد داشت، حصول آرامشی است که در نهایت به رشته‌ای از مودت و رحمت می‌انجامد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۶۶).

حتی اگر بسیاری از کارکردهای خانواده در طول زمان به سایر نهادهای اجتماعی واگذار شده باشد، مطابق آیه‌ی شریفه، کارکرد اساسی آن قابل واگذاری به سایر نهادها نیست. از سوی دیگر، ممکن است نهادهای مکملی در کنار خانواده، امر تعلیم و تربیت فرزندان را بر عهده داشته باشند، اما از اهمیت خانواده به دلیل تقدیمی که نسبت به سایر نهادها داراست، کاسته نمی‌شود. فرد پس از تولد، در خانواده و در مواجهه‌ی با والدین اولین تعاملات اجتماعی خود را تجربه می‌کند. شاکله‌ی هویتی فرد، از نخستین ارتباطات اجتماعی در محیط خانواده شکل می‌گیرد. مراد از «هویت»<sup>۲</sup> در اینجا، همان برداشتی است که فرد در اثر تعامل با دیگران، از خود به دست می‌آورد. هویت، از این جهت اهمیت دارد که در نهایت در ساخته‌شدن نظام شخصیتی فرد مؤثر است. فرد بر اساس آنچه از خود برداشت می‌کند، با دیگران رفتار می‌کند. هنگامی که فردی خود را در آینده‌ی دیگران، منحرف قلمداد می‌کند، به احتمال زیاد، در آینده نیز دست به اعمال انحرافی خواهد زد. به تدریج کسی که چنین برداشتی از چیستی و کیستی خود به دست آورد، واجد نظامی شخصیتی و عاداتی می‌شود که حتی در اثر قرار گرفتن در محیط‌های عادی نیز نمی‌تواند «منش اجتماعی»<sup>۳</sup> خود را تغییر دهد یا اصلاح کند. امیرالمؤمنین (ع) در روایتی، بسرا این امر با اشاره به پایداری و ماندگاری معرفت‌های اندوخته‌شده در ابتدای زندگی و عنوان کودکی اشاره می‌کنند: «دانش [فراگرفته شده] در دوران کودکی، چون نقش بر سنگ می‌ماند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۰).

۲- «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» (روم/۲۱).

۳- identity  
social habitus-۴

۲۲۴؛ روایت شماره ۱۳).

بنابراین، تقدیمی که خانواده نسبت به سایر نهادهای اجتماعی در زمینه شکل‌گیری نظام شخصیتی از خلال هویت‌پذیری دارد، مورد توجه و تأکید اسلام نیز هست. چنین توجهی از آن جهت قابل تفسیر است که نقش‌های اجتماعی که افراد در نظام اجتماعی بر عهده می‌گیرند، از خلال آموزش‌ها در محیط خانواده شکل خاص خود را می‌یابد. از جمله مهم‌ترین این نقش‌ها، «نقش‌های جنسیتی» است. زن بودن و مرد بودن همگی در فرایند جامعه‌پذیری در محیط خانواده برای اولین بار شکل می‌گیرد. افراد می‌فهمند که به دلیل زن یا مرد بودن چه کنش‌های اجتماعی خاصی باید از خود بروز دهند. تعارض‌های نقشی می‌تواند در آینده به میزان انحرافات اجتماعی دامن بزند. بر اساس نقش‌های اجتماعی (از جمله نقش‌های جنسیتی) که افراد فرامی‌گیرند، شیوه‌ی عمل آتی افراد قابل پیش‌بینی خواهد بود. افراد در نظام اجتماعی، از یکدیگر انتظارات متقابل دارند؛ چراکه نیازهای دوسویه‌ای میان آنها برقرار می‌شود. هرگونه نقص در پذیرش یا قبول نقش‌های مذکور می‌تواند نظام اجتماعی را دچار نقصان و بحران کند. بنابراین، خانواده از این جهت که افراد را برای اولین بار با نقش‌های اجتماعی و جنسیتی آشنا می‌کند، حایز اهمیتی غیر قابل چشم‌پوشی است. هرگونه تداخل در هویت‌های برساخته‌شده و نقش‌های فراگرفته‌شده، می‌تواند در آینده، شیوه‌های تعامل اجتماعی فرد با دیگران را دچار مشکل سازد. ابهامی که ناشی از چنین تداخلی است، ذهنیت کنش‌گر را در موقعیت اجتماعی، از فهم وظایف و انتظارات دیگران بازمی‌دارد؛ چراکه مشخص نیست فرد در این موقعیت باید چه بکند یا چه نکند.

بنابراین، گرچه در دوران مدرن، از کارکردهای خانواده به نحو فزاینده و رو به تزایدی، کاسته شده و به دیگر نهادهای رقیب واگذار شده است، اما چنین نیست که بتوان شرایطی را فرض کرد که تمامی کارکردهای اساسی آن به سایر نهادها واگذار شده و رفته‌رفته با مرگ تدریجی چنین نهادی در ساخت اجتماعی مواجه باشیم. این امر، از نقطه‌نظر اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چراکه خداوند به صراحت کارکرد اصلی خانواده را دست‌یابی به آرامشی می‌داند که در غیر این صورت (و بدون تشکیل خانواده) امکان دست‌یابی به آن وجود ندارد. نهاد رقیبی را نمی‌توان فرض کرد که بتواند چنین کارکردی را به نحوی جایگزین برآورده سازد. از این رو، به نظر می‌رسد، گرچه در دوران مدرن، نهاد خانواده دست‌خوش تمایز کارکردی شده، اما کارکردهایی اصیل هم‌چنان برای خانواده باقی مانده است که سایر نهادها یا خرده‌نظام‌های اجتماعی قادر به برآوردن آن نیستند. علاوه بر این، نقش خانواده به عنوان اولین نهادی که شخصیت و هویت فرد در آن شاکله‌ی اصلی خود را می‌یابد، انکارناپذیر است. ممکن است، از سنین خاصی فرزندان تحت پوشش سایر نهادهای تعلیمی، آموزشی و تربیتی قرار گیرند و مهارت‌هایی را فراگیرند، اما نمی‌توان از نقش خانواده به دلیل تقدم ضروری که نسبت به تمامی این موارد دارد، گذشت. در روایات، بر این نکته و تأثیری که نقش اولیه در دوران کودکی بر سراسر زندگی اجتماعی فرد خواهد داشت، اشاره شده است. از این رو، هم‌چنان خانواده در آینده به حیات خود ادامه خواهد داد؛ چراکه کارکردهای اصیلی توسط آن نهاد برآورده می‌شود.

۵- متن روایت نقل شده، چنین است: «الْعَلَمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ». مشابه به این تعبیر در روایات دیگری نیز نقل شده است: از جمله ابوالفتح کراچکی در «کنز الفوائد» از حضرت امیر (ع) چنین نقل می‌کند: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۱۹).

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). العیون، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- ۳- کراچکی، ابوالفتح (۱۴۱۰). کنز الفوائد، قم: انتشارات دارالذخائر.
- ۴- مجلسی (۱۴۰۴). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.